

## کتاب

## چاپ ششم برای رمان جدید

## «رضا امیرخانی»



«روش» تازه‌ترین رمان امیرخانی در عرض یک هفته پس از انتشار به چاپ ششم رسید. به گزارش تسنیم، جدیدترین رمان رضا امیرخانی با عنوان «روش» که از همان روز نخست انتشار و توزیع شاهد صف طولانی علاقه‌مندان برای خرید بود، در عرض یک هفته به چاپ ششم رسیده است. بنا به گفته هاشمی‌نژاد، مدیر انتشارات افق، تاکنون ۴ چاپ از جدیدترین رمان رضا امیرخانی به فروش رفته است و چاپ‌های پنجم و ششم این کتاب نیز در همین هفته توزیع خواهد شد. وی فروش کتاب در شهرستان‌ها بویژه مشهد و قم را نیز بسیار خوب ارزیابی کرد و افزود: هر چاپ از این کتاب ۳ هزار نسخه بوده است. در حالی که از رمان داغ این روزهای بازار کتاب تاکنون ۱۸ هزار نسخه منتشر شده است که بسیاری در سال‌های اخیر از پدیده قهر مخاطب با کتاب و کتابخوانی سخن گفته‌اند.

## خبر

## پیام تسلیت مدیر تجسمی روایت فتح در پی درگذشت محمد توکلی

مسعود نجابتی، مدیر گروه هنرهای تجسمی بنیاد فرهنگی روایت فتح، در پیامی درگذشت محمدتوکللی، هنرمند حوزه هنر تجسمی را تسلیت گفت. به گزارش روابط عمومی بنیاد فرهنگی روایت فتح، متن پیام که خطاب به آقای احمدتوکللی نگاشته شده است، به شرح زیر است: «الله و انا الیه راجعون

جناب آقای احمد توکلی با سلام و تقدیم احترام خبر درگذشت فرزند عزیزتان جناب آقای محمدتوکللی، موجب تالم و تأثر حاسر شد. بی‌تردید داغ درگذشت این عزیز سفر کرده، هنرمند عرصه تجسمی که با خلق آثاری بدیع نام خود را در این حوزه ماندگار کرده بود، برای همه جاگنگار است. اینجانب به نمایندگی از گروه هنرهای تجسمی بنیاد فرهنگی روایت فتح و مجموعه‌ای از جوانان و تشکل‌های فعال حوزه خط و گرافیک درگذشت محترم عزیز ما را به شما و خانواده محترم تسلیت عرض نمود، برای شما صبر و برای او رحمت و غفران الهی را مسألت می‌کنیم.»

## سینمای جهان

بر لیبی‌ها از کمپین هالیوود علیه فساد جنسی حمایت نکرند! جشنواره برلین که از آخر هفته گذشته رسماً کار خود را آغاز کرده با حاشیه در همان روزهای نخست همراه بوده است. به گزارش تسنیم، موج رسوایی‌های اخلاقی باعث ایجاد کمپین #MeToo شد. کمپینی که در حمایت از قربانیان تجاوزهای جنسی هالیوود آغاز به کار کرد و در همین چند ماهی که از پیدایشش می‌گذرد کارهای رسانه‌ای جالب توجهی کرده است، از جمله اینکه تمام میهمانان مراسم گلدن گلوب امسال را واداشت تا به جای پیراهن‌های رنگی با لباس مشکی در مراسم حاضر شوند. آنها قصد داشتند جشنواره بین‌المللی فیلم برلین را هم محلی برای تبلیغات خود کنند اما برلینی‌ها این موضوع را قبول نکردند. کمپین یادشده درخواست داده بود در روز مراسم افتتاحیه به جای فرش قرمز، فرش مشکی پهن شود اما این درخواست با نظر مخالف دبیر و مدیران فستیوال امسال همراه شد تا این اتفاق در نهایت رخ ندهد. هر چند که دبیر کاسلیک، دبیر جشنواره گفته بود درباره لباس پوشیدن شرکت‌کنندگان نظر نمی‌دهد چون هرکس می‌تواند با هر رنگی که علاقه دارد روی فرش قرمز حاضر شود. عوامل انیمیشن تازه وندرسون اما با لباس مشکی در اکران افتتاحیه حاضر نشدند تا نه فرش مشکی شده باشد و نه لباس‌ها رنگ عزا به خود گیرد! این ماجراها در حالی رسانه‌ای شده که رئیس هیأت داوران جشنواره امسال، تام تیکور هم انتقادات صریح از کمپین #MeToo داشته که با موج رسانه‌ای خاص خودش همراه بوده است. او که در مراسم آغاز شصت و هشتمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم برلین مقابل خبرنگارها قرار گرفته بود با انتقاد از کمپین ایجاد شده گفت که #MeToo# به جای تمرکز روی اشخاص، باید روی اصل مشکل تمرکز کند. این اتفاقات باعث شده تا بسیاری از حامیان کمپین #MeToo# به سیاست‌های جشنواره برلین اعتراض کنند. هرچند این جشنواره قرار است سمینارها و جلسات گفت‌وگو درباره این مشکل خاص در سینمای جهان را برگزار کند اما این چیزی نیست که بین مخاطبان عام بعد رسانه‌ای داشته باشد.

## گفت‌وگوی «وطن امروز» با محمد حقی، مدیر انتشارات «کتابستان معرفت»

## بانسل جدید باید به زبان قصه سخن گفت



باشد، به همین جهت هم هست که عمده کارها چاپ‌های متعدد و مکرر داشته است. اما این به آن معنا نیست که راه درآمدزایی آنچنانی در این عرصه وجود داشته باشد. ■ تا چه حد مشکلات کتابخوانی را ناشی از اقتصاد بازار نشر می‌دانید؟

در سال‌های اخیر بشدت قدرت خرید جامعه کتابخوان پایین آمده، به این معنا که تقریباً در سال‌های ۸۲ تا ۹۶ قیمت کتاب از صفحه‌ای ۵-۴ تومان به صفحه‌ای ۸۰ تومان رسیده، یعنی قیمت کتاب در این ۱۴ سال ۲۰ برابر شده، آیا جامعه کتابخوان درآمدش ۲۰ برابر شده؟ نشده! میزان افزایش سالانه حقوق کارمند و کارگر بر اساس تورم اعلامی دولت ۱۵ تا ۲۰ درصد تعیین شده است.

این میزان چنانچه در ۱۴ سال اخیر جمع شود شاید حدوداً ۴ یا ۵ برابر شده ولی قیمت کتاب ۲۰ برابر شده، یعنی جامعه کتابخوان ۵ درصد درآمد ماهانه اگر ۴ جلد کتاب می‌خرید الان با همان ۵ درصد یک یا ۲ جلد کتاب می‌خرید. قیمت کتاب در حالت عادی ۴۰-۳۰ هزار تومان است. خب! این کاهش قدرت خرید کتاب منجر به این شده که جامعه کتابخوان مثل قبل نتواند کتاب بخرد و گزیده خرید کند چون دیگر توش را ندارد، اینها مسائل جدی است. اینجا یک مغالطه اتفاق می‌افتد می‌گویند مردم برای پیتزا ۴۰ هزار تومان می‌دهند، خب! ما کاری با مردم نداریم، من می‌گویم فقط جامعه کتابخوان، وقتی تیراژ و رونق کتابفروشی هم پایین می‌آید و وضعیت ناشران هم دچار بحران می‌شود، فرد کتابخوان آن ۵ درصد درآمد ماهانه خود را برای خرید گذاشته، با این حال قبلاً ۴ جلد کتاب می‌خرید اما الان با همان ۵ درصد ۲ جلد کتاب می‌خرید.

■ به‌عنوان فردی که کتاب‌های‌شان به مزاج مخاطبان خوش آمده است، فکر می‌کنید رسانه‌ها و نهادهای آموزشی تا چه اندازه در کتاب‌خوانان جامعه مقصر هستند؟

رااهه، عزم و برنامه‌ریزی منسجمی برای کتابخوان شدن جامعه وجود ندارد، چه در حوزه آموزش و چه در ساحت ترویج، مانند سلسله‌برنامه‌های مفید و مؤثری که در صداوسیما پخش شود. آیا این برنامه‌ها سردرد را به کتابخوانی نزدیک می‌کنند یا صرفاً یک برنامه هستند؟ البته مورد داشتیم که برخی از برنامه‌های تلویزیون به دلیل مخاطب‌الایی که دارند اگر کتابی در آن معرفی شود حوزه نشر به آن واکنش نشان می‌دهد و شاهد هستیم که مردم به آن کتاب تمایل نشان می‌دهند. این مجموعه‌ها باید زیاد شوند که سلیقه‌ها و ذائقه‌های مختلف بهانه و دلیلی برای رفتن به کتابفروشی داشته باشند. اما در حال حاضر در صداوسیما برنامه مؤثری که حوزه کتاب را تکان دهد، نداریم. کتاب معرفی می‌شود اما به نظرم قید اثرگذاری و اثربخشی برای کار باید تعریف کنیم. الان درساره تبلیغات کالاها طرف یک میلیارد خرج می‌کند و نتیجه‌اش این است که مثلاً ۵۰ هزار بخاری فروخته است، درباره کتاب اما این اتفاق نیفتاده، جامعه کتابخوان را افزایش نداده است. نکته بعدی به نظرم این است که در بسیاری از شهرها جز تهران و قم، دسترسی به کتاب‌ها مشکل است و ویرترین کتاب کم بوده، مثلاً در یک خیابان ۲۰ باقالی می‌بینیم اما کتابفروشی اصلاً نیست، در خود تهران اغلب مناطق غیربرخوردار از کتاب هستند و ویرترین کتاب نسبت به تعداد ناشر و عنوان کتاب کم است.

هست و ناشران موفق هم در این زمینه فعالیت می‌کنند. یکی از دغدغه‌ها این بود که در حوزه داستان انقلاب کارهای مهم‌تری باید انجام بگیرد، بر این اساس اهتمام جدی داشتیم که بتوانیم رمان انقلاب منتشر کنیم.

■ باور ما بر این بوده که با نسل‌های چهارم و پنجم انقلاب باید با زبان قصه و داستان صحبت و سعی کنیم در قالب قصه حرف‌هایی را به این نسل منتقل کنیم. این مسأله قصه سنتی است که از دوران کهن ایرانی بوده است، از شاهنامه تا تذکره‌الاولیا و آثار نظامی گنجوی و بوستان و گلستان و... همیشه حکمای ایرانی تلاش کرده‌اند حکمت‌های خود را در قالب داستان به مخاطب خود منتقل کنند

میدورم تا اواخر بهمن چند رمان در حوزه ادبیات جهانی مقاومت، بویژه در حوزه بوسنی مورد شناسایی قرار بگیرد و کار جلو رود. بخش دیگر کارهایی است که با رویکرد انتقادی نسبت به جهان غرب و بویژه اقتصاد سیاسی مطرح است که در دست ترجمه قرار دارد. موضوع دیگری که برای ما اولویت دارد رمان نوجوان غیرایرانی است. بخش دیگر هم در حوزه مطالعات دین است که چند عنوان از آن مانند روایت عاشورا چاپ‌شده است. مجموعه‌ای از کارها هم تا نمایشگاه کتاب ان‌شاءالله منتشر خواهد شد که از دیگر محورهای کاری ما است.

■ رکود بزرگی بازار نشر را فراگرفته است، کتابستان معرفت بوجه خود را از کجا تأمین می‌کند؟

یک فضای کلی در صنعت و کسب‌وکار ایران وجود دارد که این یک مسأله عالم‌الابوا است که همه درگیر آن هستند در حوزه نشر به نظرم یک مقدار در این بحران رکود مضاعف است، دلیل آن هم این است که با توجه به کاهش قدرت خریدی که در جامعه وجود دارد، بیشتر نیازهای اولیه مسأله خانواده‌ها بوده و مسأله کتاب اولویت بعدی خانواده‌هاست. این بحرانی است که بقیه همه تولیدکنندگان ایرانی بویژه ناشران را گرفته است. تلاش ما این بوده است با شناخت نسبی که نسبت به بازار نشر داریم و مخاطب‌شناسی که وجود دارد سعی کنیم کتاب‌هایی را منتشر و عرضه کنیم که به لحاظ عرضه توزیع کتاب جذاب

جدی ایفا کنیم.

■ چه برنامه‌ای برای ورود به بازار نشر داشتید؟

بر اساس رصدی که در حوزه نشر داشتیم چند موضوع برای ما اولویت پیدا کرد. در حوزه داستان ایرانی ناشران متعددی که بر اساس ارزش‌های انقلاب و دین کار کنند تعداد محدودی هستند و متأسفانه به دلیل اینکه در کارهای داستانی و رمان کار تبلیغی و رسانه‌ای اتفاق نمی‌افتد، غالباً کارها چاپ چندباره ندارند. اصل برنامه ما این بود که در حوزه داستان ایرانی تمرکز جدی داشته باشیم که اولاً رمان ایرانی خوب از نویسندگان بگیریم، دوماً از لحاظ کیفیت و کتاب‌آرایی کار

موردکیفیت انجام دهیم و سوماً به لحاظ بازار و توزیع هم کار را خوب جلو ببریم. این برنامه‌ای بود که ما در حوزه داستان ایرانی دنبال می‌کردیم و در این ۲-۳ سال نزدیک به ۴۳-۴۲ کتاب چاپ شده است و برآوردمان این است که تا نمایشگاه حداقل ۳۰ عنوان و حداکثر ۵۰ عنوان کتاب به نمایشگاه برسد.

■ تمرکز اصلی انتشارات شما بر رمان‌هایی با محوریت انقلاب اسلامی بوده است، چه دغدغه‌ای را دنبال می‌کردید که در میان فرم‌ها و ژانرهای ادبی سراغ رمان انقلابی رفتید؟

ما خودمان را ذیل گفتمان انقلاب اسلامی تعریف و افتخار می‌کنیم به اینکه در این مسیر قدم برمی‌داریم. باور ما بر این بوده که با نسل‌های چهارم و پنجم انقلاب باید با زبان قصه و داستان صحبت و سعی کنیم در قالب قصه حرف‌هایی را به این نسل منتقل کنیم. این مسأله قصه سنتی است که از دوران کهن ایرانی بوده است، از شاهنامه تا تذکره‌الاولیا و آثار نظامی گنجوی و بوستان و گلستان و... همیشه حکمای ایرانی تلاش کرده‌اند حکمت‌های خود را در قالب داستان به مخاطب خود منتقل کنند، حتی در قرآن هم داریم «حنن نقض علیک احسن اقصص» که منطبق و استدلال داستانی و قصه‌گویی را به کار گرفته. ما بر اساس این مسأله رویکرد و اولویت اصلی را بر این متمرکز کردیم که داستان انقلاب را روایت و ارائه کنیم. کارهای مستند زیادی در حوزه انقلاب

فاطمه قربان‌نیا: «روای نیمه‌شب»، «هفت جن»، «برکت»، «زایو»، «لوسیا» و... از جمله رمان‌های پرفروشی هستند که ژانرهای متفاوتی را به میان مخاطبان ادبیات داستانی برده و بسا اقبال آنها نیز مواجه شدند. وجه مشترک این کتاب‌ها، ناشر آن یعنی کتابستان معرفت است، انتشاراتی غیرتهرانی که در مدت بسیار کوتاه توانست میان علاقه‌مندان رمان جایگاه ویژه‌ای پیدا کند و در انواع ژانرهای داستانی آثاری پرفروش و البته پرقوت را منتشر کند. ورود حرفه‌ای کتابستان معرفت به حیطه ادبیات داستانی انقلاب اسلامی توانست خلأ بزرگی را در این حیطه پر کند و حالا این انتشارات که پیش از این می‌توانستیم ناشر تخصصی ادبیات داستانی بخوانیمش، قصد دارد وارد حیطه‌های جدیدی از صنعت نشر شود. به همین بهانه سراغ محمد حقی، رئیس هیات‌مدیره این انتشارات رقیتم و با وی به گفت‌وگو نشستیم.

■ کتابستان چگونه متولد شد؟

نخستین جرقه فعالیت‌های ما در انتشارات کتابستان به سال ۱۳۸۸ مربوط می‌شود که ما با تعدادی از دوستانی که در فضای اردوهای جهادی و تبلیغی در مناطق محروم همکاری داشتیم، در سلسله جلساتی به این نتیجه رسیدیم که متناسب با توانمندی‌های حوزوی و تجربیات علمی که متناسب داریم و بسا توجه به اینکه تهران به لحاظ فرهنگی وضعیت مناسبی ندارد، همان فعالیت‌های جهادی و فرهنگی را یک مقدار در سطح تهران هم انجام دهیم و در سال یک نوبت در تهران با رویکرد جهادی وارد عرصه کار فرهنگی شویم. در آن سال مدیریت متروی تهران را محاسب کردیم که اجازه دهد در آنجا نمایشگاه کتابی دایر شود و در کنار آن طلبه‌های کتابخوان و کتاب‌باز که در حوزه کتاب مسلط بودند هم مشاوری کتاب به مردم می‌دادند. حتی در موضوعات خانوادگی و مشکلاتی که مواجه می‌شدند پاسخگوی سوالات مردم بودند و مشاوره کوتاه‌ای صورت می‌گرفت. در حوزه معرفی کتاب این طور بود که برای حل مشکلات یادمان اطلاعات بیشتر کتابی را معرفی می‌کردند تا مخاطبان آن را مطالعه و جواب سؤال‌شان را در کتاب پیدا کنند. در همان سال‌ها در همان ۲۰-۱۵ ایستگاه مترو شاید

زودیک به ۴۰ هزار جلد کتاب عرضه شد، یعنی معادل عملکرد ۵-۴ فروشگاه بزرگ، چون مشاور در نمایشگاه‌ها حاضر بود و کتابفروشی صورت می‌گرفت و مردم خیلی اعتماد می‌کردند. در کنار مسأله کتاب، هر روز ۷۰ تا ۸۰ مراجعه برای هر طلبه‌ای که آنجا مستقر بود اتفاق می‌افتاد، یعنی روزانه تقریباً نزدیک هزار مراجعه داشتیم. ممکن بود در ماه رمضان ۲۰ هزار پرسش و پاسخ اتفاق می‌افتاد که معادل عملکرد یک مرکز پاسخگوی رسمی در کشور بود. تمام این اتفاقات نقطه آغازین حضور ما در حوزه نشر بود. بعد از آن آرام‌آرام با توجه به تجربیاتی که به‌وجود آمد تصمیم گرفتیم در قم یک فروشگاه کتاب راه‌اندازی کنیم. یک مرکز توزیع کتاب هم در کنار آن قرار گرفت و این کار ۳-۲ سال جلو رفت و در ایستگاه متروی شهنا هم فروشگاه کتاب راه‌اندازی شد. کم‌کم مسأله نشر پیش آمد و مقدمه‌ای بود که ما تقریباً سال ۹۶ به این نتیجه رسیدیم باید در حوزه نشر برنامه‌ریزی متمرکز و جدی داشته باشیم تا بتوانیم نقش آفرینی

## در اختتامیه جایزه سینمایی ققنوس مطرح شد

## حاتمی‌کیا خط‌شکن شد تا فیلمساز انقلاب احساس قهارت نکند



عصر (عج). ما کاری نکردیم اما تکرار می‌کنم همه ما وابسته‌ایم به خون شهید! وابسته‌ایم به انقلاب و خون شهدای مدافع حرم. افتخار می‌کنیم پول تولیدات‌مان را از سفارتخانه‌های حامی داعش نمی‌گیریم. وی افزود: دوستان! فرمایشات حاتمی‌کیا را شنیدیم، این آغاز مبارزه است. نسل جوان، کاربلد، دغدغه‌مند و انقلابی سر برآورده‌اند و در آینده نزدیک شاهد تولد ابراهیم حاتمی‌کیاهای جوان و پرتلاش در عرصه‌های مختلف خواهیم بود. آرایش جدید هنرمندان را در میدان به خود رها شده فرهنگ شاهد خواهیم بود. ما حتماً اشتباهاتی داریم. خطاها را ببخشید و خوشحالم در مقابل خانواده‌های شهدا سرافکنده نیستیم.

## سینما

گروه فرهنگ و هنر: اختتامیه هفتمین جایزه ققنوس در حالی برگزار شد که هنوز فضای سینما متأثر از سخنان ابراهیم حاتمی‌کیا در اختتامیه جشنواره فجر بود. به گزارش «وطن امروز»، در این نشست اهالی فرهنگ و هنر از جمله محمد خزاعی، مرتضی شعبانی، رضا فرهمند، هوشنگ توکلی، هادی حجازی‌فر، جمال شورجه و علی‌روبین‌تن حضور داشتند.

■ پرواز ققنوس به احترام سینمای متعهد در این مراسم، حمید حیدری به عنوان منتقد برتر جایزه ققنوس انتخاب شد. همچنین جایزه رسانه برتر نیز به «ششبه کارادویی فرهنگ» اختصاص پیدا کرد اما جایزه سینمایی بهترین فیلم به «به وقت شام» به کارگردانی ابراهیم حاتمی‌کیا تعلق گرفت. مستند «زنانی با گوشواره‌های باروتی» و انیمیشن «فیلمشاه» نیز برگزیده جایزه ققنوس شدند. در این مراسم همچنین از هادی حجازی‌فر برای ایفای نقش در ۲ فیلم «به وقت شام» و «لاتاری» تقدیر شد. رضا فرهمند، کارگردان مستند تحسین شده «زنانی با گوشواره‌های باروتی» در این برنامه اظهار داشت: من در طول کار به این جمله پیشواهای‌مان امام‌حسین فکر کردم که می‌فرمایند اگر دین ندارید، لاقال آزاد باشید. وی تأکید کرد برای ساخت این مستند جنگی سختی زیادی را تحمل

## نقد فیلم

## نگاهی به فیلم سینمایی «ماهورا» سرنوشت دست‌کشیدن از مقاومت



زهر شعیبان شمیرانی: «ماهورا» دومین ساخته سینمایی حمید زرگزاد در حال و هوای «عروس آتش» خسرو سینایی است. پایبند به سنت‌های بومی قبایل جنوب غرب کشور است و همین موضوع بعد از سوزو حقیقتاً بکر و دلخراش، این فیلم را به یکی از آثار قابل تامل امسال جشنواره فیلم فجر تبدیل کرد که البته در نهایت مهجور واقع شد. داستان اصلی فیلم اقتباسی از یک قصه واقعی است که در پلان پایانی فیلم هم بخش کوتاهی از آن را می‌بینیم. فیلم در ژانر دفاع مقدس است اما نه در لوکیشن خاکریز و جبهه نظامی، بلکه در لوکیشنی متفاوت و ساختار شکن سعی موفق دارد در به تصویر کشیدن روستای عرب‌زبان مرزنشین. سوزو فیلم مقاومت مردمی روستای مرزی جنوب غرب کشور و هم‌زمان با عراق است. موضوعی که برگرفته از یک تراژدی غم‌انگیز و هولناک سال‌های جنگ است که البته به گفته فیلمساز، در فیلم بخشی از حجم سنگین داغ و حزن از قصه کم شده برای مثال در واقعیت خلبانی که از ارتش بعث عراق به سوی مردم ایران پناه می‌آورد به طرز جیغی کشته می‌شود که این پلان، در فیلم زرگزاد نیست. «ماهورا» سند تصویری از حماسه‌ای است که با خطای انسانی - خطای استراتژیک و نابخشودنی و بازگشت‌ناپذیر- به یک فاجعه انسانی ختم می‌شود. «ماهورا» تلاش کرده ماهیت دشمن را و بهر حمی جنگ را روایت کند. البته ماهورا برخلاف پایان درخشانش- هر چند بسیار متاثرکننده است- آغاز بدی دارد و گنگ است. اصلاً انگار قصه شروع نمی‌شود. اگر چه اصولاً فیلم‌ها با بحران پایان یا جمع‌بندی خواهند اما این فیلم و در کلیت فیلم‌های امسال، اولاً اینکه خوشبختانه پایان دارند و دوماً پایان‌های نسبتاً خوبی هم دارند. فیلم ضعف‌های جدی فیلمنامه‌ای دارد و غیر از شروع بد و ناپختگی شخصیت‌های اصلی برعکس شخصیت‌های فرعی، ماجرای عاشقانه ماهورا هم اصلاً خوب است که در آن زیسته‌ای و این تأکید بر خاک به از جشنواره حذف شود یا کوتاه‌تر شود چون به تنها کمکی به منطق و روایت داستان نمی‌کند، بلکه در بعضی صحنه‌ها از فیلم بیرون می‌زند و همین امر به انسجام قصه ضربه می‌زند. یکی از ضربه‌هایی که به روایت فیلم وارد می‌شود، موتیف‌های خیالی است که در چند جا مادر شخصیت اصلی مدام در فضایی میان رویا و خیال به او یادآوری می‌کند که عروس تو وطنی است که در آن زیسته‌ای و این تأکید بر خاک به این شکل سوزناک با منطق فیلم هماهنگ است. هر باید بیش از خیال در خود فیلم و به کمک دوربین، جایگزین ماهور شود که البته فیلمساز در این راستا تلاش ناکام مانده است. شاید اگر در «ماهورا» زرگزاد باز هم به بهروز افخمی در فیلمنامه همکاری می‌کرد چنانکه در فیلم اولش «پایان خدمت» این اتفاق رخ داده بود، فیلم پشتوانه قوی‌تری داشت. درباره‌یاری‌ها هم ساعد سهیلی و کامران قفقی هر دو خوبند و ساعد سهیلی ۲ سکانس فوق‌العاده سخت و احساسات‌برانگیز را به شکل قابل قبولی اجرا می‌کند و در واقع بار احساسی کل فیلم به دوش همین ۲ سکانس است. یکی صحنه‌ای که زنان در حال شیون و مویه‌اند و همه مردان قبیل را چشم بسته و دست بسته به اسارت برده‌اند و وقتی ساعد سهیلی و دوستاتش سر می‌رسند دیر شده و با این صحنه طاق‌فروسا مواجه می‌شوند. ساعد سهیلی در این سکانس هیچ دیالوگ و اکتی ندارد فقط نگاه و بغض و اشک دارد و همین سختی کار هم هست. از اینجا به بعد است که ایده اصلی فیلم خودش را به مخاطب نشان می‌دهد. اینکه ما نتوانستیم بلکه دفاع کردیم و ایستادیم و سرنوشت دست کشیدن از مقاومت را در پلان نهایی که بسیار پر خون است، روایت می‌کند. در باب موسیقی فیلم هم باید گفت ستار اورکی که خودش از اهالی جنوب است، با تسلط به موسیقی نواحی جنوب بیشترین بهره را از آلمان‌ها و صداهای محیط برده است. «ماهورا» نشان می‌دهد مقاومت انتخاب تمجیلی ما است و در کل از دید مخاطب نمره قبولی می‌گیرد.

## سلام وطن

۶۶۴۱۳۹۴۲

## دریافت پیام‌های شما از سراسر کشور